

مدرنیته شیوه‌ای از زندگی و پدیده‌ای بود که از سده‌ی هفدهم در اروپا شکل گرفت و به تدریج سراسر دنیا را فرا گرفت. این جریان موجب دگرگونی و انهدام رسوم و فرهنگ سنتی در صحنه‌ی زندگی اجتماعی بسیاری از کشورها گردید.

این پدیده (مدرنیته) به خصوص از قرن بیست به بعد، از راه انتشار صنعتی محصولات فرهنگی، گسترش فرهنگ و دخالت وسایل ارتباط جمعی تمام جهان را به هم پیوند داد. این امر به واسطه‌ی تکنیکی‌ترین و صادراتی‌ترین وجوه مدرنیته، یعنی اشیاء تولید شده‌ی صنعتی مصرفی و وسایل ارتباط جمعی به راحتی صورت پذیرفت و به بسیاری از کشورها از جمله ایران راه پیدا کرد و در مقابل آن هیچ صورت اجتماعی سنتی نتوانست دوام یابد و خود را حفظ کند و شیوه‌های زندگی بومی به منظور جواب‌گویی به نیازهای جدید اجتماعی منهدم گردید!

اکنون بسیاری از پی‌آمدهای مدرنیته و جهان فرهنگی جایگزین پدیده‌های فرهنگی سنتی گردیده‌اند. در این میان افرادی نیز که دارای فرهنگ سنتی می‌باشند خواسته یا ناخواسته در این مدار جدید قرار گرفته‌اند و حتا در صورت تمایل به استفاده از شیوه‌های زندگی سنتی و از جمله لباس‌های سنتی، ناخواسته یک رفتار نمادین فرهنگی و یا سیاسی را به نمایش می‌گذارند؛ یعنی کارکرد جدیدی بروز یافت که در گذشته استفاده از لباس‌های سنتی چنین کارکردی را نداشته و مفاهیمی این چنین را القا نمی‌کردند.

بررسی کارکردهای جدید پوشاک در ایران؛ که به دنبال ارتباط با غرب، ورود مدرنیته و پی‌آمدهای آن صورت گرفت، و ترسیم روند آن موضوع این مقاله می‌باشد.

### کارکردهای مختلف پوشاک

کارکرد اجتماعی لباس از مهم‌ترین کارکردهای آن به‌شمار می‌رود. لباس علاوه بر حفاظت بدن، معرف عادت، شخصیت، دیدگاه‌های فردی و ویژگی‌های اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی استفاده‌کننده آن می‌باشد، چرا که در جوامع امروزی به دلیل پیچیده‌تر شدن روابط و گستردگی آن کم‌تر زمینه‌ای برای شناخت افراد در برخوردهای اولیه وجود دارد و پوشاک به‌عنوان یک نشانه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به بیان دیگر پوشاک یکی از نخستین ابزارهایی است که فرد در روابط خود با دیگران از آن استفاده کرده و حرفه، طبقه، طرز تفکر و نگرش، ایدئولوژی و موقعیت‌های فردی و اجتماعی و به‌طور کلی «خود» را معرفی می‌کند. از دیگر کارکردهای پوشاک یاری رساندن

# پوشاک و کارکردهای آن

اعظم قاندى شرفى  
(کارشناس ارشد پژوهش هنر)

به افراد برای رسیدن به مقاصد و هدف‌ها و فراهم آوردن فرصت مناسبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای روانی‌شان می‌باشد. استفاده از لباس فرصتی را برای هم‌رنگی با دیگران، همانندسازی، فرا رفتن از فاصله‌ی طبقاتی یا ایجاد سرزندگی بین طبقات اجتماعی، منتسب کردن افراد به گروه‌ها و یا طبقات اجتماعی خاص و جواب‌گویی به میل ممتاز و بدیع بودن... را فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

کارکرد فرهنگی از دیگر کارکردهای پوشاک به‌شمار می‌آید. لباس مانند خط و یا زبان نشانه‌ای برای فرهنگ به‌شمار می‌آید و همان‌گونه که پوشاک نشان‌گر فرهنگ یک جامعه است با تأثیرپذیری از آن شکل می‌گیرد. گاهی نیز پوشاک نشان‌دهنده‌ی جهان‌بینی و اعتقادات مذهبی مصرف‌کننده خود می‌باشد و هنگام استفاده، کارکردی مذهبی می‌یابد.

هنگامی که پوشاک توسط گروه‌ها و افراد در جهت بیان عقاید و مخالفت با برخی جریان‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کارکردی سیاسی پیدا می‌کند. لباس دارای کارکردهای مختلف دیگری نیز می‌باشد که می‌توان به کارکرد اقتصادی، زیبایی‌شناسی، روانی، اقلیمی و... اشاره کرد.

از اواخر قرن نوزدهم و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب، پوشاک به‌عنوان یک پدیده فعال و پویا، کارکردهای جدیدی متناسب با ساختارهای نوین جامعه به‌عهده گرفت<sup>۲</sup> و گسترش ارتباطات و جهانی شدن فرهنگ روند این تغییرات را سرعت بخشید.<sup>۳</sup>

هم‌زمانی این تحولات با حکومت قاجار و شدت گرفتن این تحولات در این دوره انگیزه‌ای است تا بررسی خود را از این دوره آغاز کنیم.

تا قبل از ورود پوشاک خارجی و اروپایی به ایران، پوشاک طبقات مختلف از اجزاء یک‌سانی تشکیل شده بود و اختلاف پوشاک مردم تنها در جنس پارچه‌ی مورد استفاده بود.<sup>۴</sup> بدین ترتیب که طبقات فرادست از پارچه‌های مرغوب و طبقات فرودست از پارچه‌های معمولی استفاده می‌کردند و پوشاک نشان‌دهنده‌ی مقام و منزلت افراد بود.

بعد از مدتی به دلیل تماس مستقیم طبقاتی مانند شاه، شاه‌زادگان، درباریان، بازرگانان و نظامیان عالی‌رتبه - که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان طبقه‌ی فرادست یاد کرد - با اروپاییان لباس این طبقات شبیه به لباس اروپایی‌ها شد. درباریان، نظامیان و مستخدمین عالی‌رتبه دولتی پیراهن و شلوار اروپایی می‌پوشیدند و بر روی شلوارهای اروپایی خود کمربندهای چرمی که در بین ایرانیان رایج نبود می‌بستند. به طوری که از دیگر اقشار اجتماعی مشخص می‌شدند. در حالی که لباس بقیه‌ی اقشار مردم همان لباس‌های سنتی بود. در این دوره نظامیان از لباس‌های متحدالشکل نظامی استفاده می‌کردند که نشان‌دهنده‌ی شغل آنان بود. محصلین دارالفنون نیز در مدرسه لباس‌های مشخص و علی‌حده می‌پوشیدند تا رشته و شغل هر کدام مشخص گردد. اغلب آنان نیز بعد از فارغ‌التحصیل شدن تحت تأثیر شیوه‌های جدید آموزش از پوشاک غربی استفاده می‌کردند. بنابراین در این دوره پوشاک هم نشان‌دهنده‌ی طبقه و موقعیت اجتماعی بود (درباریان) هم شغل و حرفه‌ی افراد را مشخص می‌کرد (کارمندان و مستخدمان دولت) هم معرف نقشی بود که افراد به‌عهده می‌گرفتند (نظامیان) و هم نشان‌دهنده‌ی سطح تحصیلات بود. (تحصیل‌کردگان دارالفنون).

در دوران مشروطه یکی از جنبه‌های روشنفکری و تجدیدطلبی استفاده از لباس‌های اروپایی و غربی بود. روشنفکران که سردمداران





رضاشاه در میان زنان عشایر لرستان پس از کشف حجاب

کردند. البته بسیاری از زنان و مردان حاضر به تغییر لباس خود نبودند و به زور فشار نیروهای دولتی مجبور به این کار شدند. آنان در هر فرصتی از لباس‌های قبلی خود استفاده می‌کردند که بعضی از این حرکات مخالف با دولت محسوب می‌شد.

بر این اساس لباس در این دوران طبقه‌ی افراد (درباریان و ثروتمندان)، حرفه و شغل (افراد شاغل در مشاغل دولتی)، مراتب و موقعیت اجتماعی (مأموران کشوری)، نقش‌های افراد (محصلان و معلم‌ها) طبقات اجتماعی (روشنفکران) بوده و برای به دست آوردن موقعیت اجتماعی به کار گرفته می‌شد. هم‌چنین کارکردهای سیاسی آن در جهت مخالفت با روند نوسازی آمرانه‌ی دولت از سوی گروه‌های مخالف مورد توجه قرار گرفت.

در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، الگوی مشخصی در شیوه‌ی پوششی مردم مشاهده نمی‌شود. در این دوران ساختار اجتماعی کیش‌مکش‌های ریشه‌داری را عیان می‌ساخت و آن‌ها را به عرصه‌ی سیاسی منتقل می‌کرد و بحران را نظام سیاسی بازسازی می‌نمود و از آن‌جایی که همه چیز حول محور سیاست دور می‌زد، بنابراین هر کس بر اساس طبقه، نگرش و موقعیت اجتماعی خود لباس می‌پوشید. در ۱۳۲۴ حزب توده تأسیس شد که نه تنها روشنفکران، که گروهی از طبقات متوسط را جذب کرد. ظهور مصدق و طرح موضوع رد هرگونه مذاکره با شرکت‌های نفت خارجی از دیگر مسایل مهم این دوران به‌شمار می‌آید. نهضت ملی شدن صنعت نفت، موجب به وجود آمدن موجی از غرب‌ستیزی گردید. احساسات ناسیونالیستی در بین مردم تقویت شده و بالا گرفت و مردم را به سوی ساده‌تر شدن پوشاک سوق داد. بنابراین علاوه بر کارکردهای قبلی، پوشاک برای نشان دادن ایدئولوژی سیاسی احزاب - مانند حزب توده - به کار گرفته شد.<sup>۱۱</sup>

سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد به تثبیت حکومت و قلع و قمع احزاب سیاسی گذشت و کم - کم رویکرد به غرب و به خصوص آمریکا آغاز گشت و تمدن آمریکایی رواج یافت و اولین نشانه‌های جامعه‌ی مصرفی پدیدار شد. در اواخر دهه‌ی ۱۳۳۰ مسأله هوشیاری در برابر غرب و توجه به یک هویت شرقی - آسیایی - اسلامی - ایرانی صورت گرفت و به میراث مذهبی و ملی توجه بیش‌تری شد. بنابراین غرب‌گرایی از سوی افراد و تشبه جستن به آن استفاده از شیوه‌ی پوششی آن نیز محکوم گردید. بنابراین در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دو جریان موازی در جامعه‌ی ایران دیده می‌شد. از یک سو سیاست نوسازی شتاب زده‌ی دولت با بهره‌گیری از افزایش درآمد نفت و از سوی دیگر جریانی که این تغییرات را نمی‌پذیرفت و با این نوسازی به

بعد از آن که به وزرا، وکلا، روسای ادارات و مستخدمان دولت دستور داده شد از کلاه پهلوی و لباس متحدالشکل استفاده کنند، از محصلان مدارس نیز خواسته شد تا لباس‌های متحدالشکل بپوشند. بنابراین پیراهن سفید، نیم‌تنه و شلوار خاکستری معرف شاگردان مدارس گردید. هم‌زمان با شیوع کلاه پهلوی مأموران نظیمه موظف به استفاده از کاسکت انگلیسی شدند. بعد از سفر رضاشاه به ترکیه، کلاه تمام شاپو جای کلاه پهلوی را گرفت، ابتدا رییس الوزرا، معاونین و وکلای مجلس از این کلاه استفاده کردند اما به تدریج استفاده از آن در بین سایر طبقات نیز رایج گردید.<sup>۸</sup>

در این دوره زنانی که به اروپا سفر کرده بودند و یا با اروپایی‌ها معاشرت داشتند حجاب را مانعی در جهت فعالیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌آوردند و در بعضی جاها بدون حجاب ظاهر می‌شدند. از ۱۳۱۳ زنان معلم بدون حجاب در مدارس حضور یافتند و در ۱۲ دیماه ۱۳۱۴ تمام زنان ملزم به کنار گذاشتن لباس‌های سنتی و چادر و دانش‌آموزان نیز موظف به پوشیدن لباس‌های متحدالشکل و حضور بدون حجاب در مدارس شدند.<sup>۹</sup>

گسترش آموزش سبب افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان گردید و این فارغ‌التحصیلان به‌عنوان کارمند، تکنسین ماهر، مدیر عمومی، معلم، پزشک یا استاد وارد خدمات دولتی شدند و طبقه‌ی روشنفکر را تشکیل دادند. این طبقه با شیوه‌ی تولید، وسیله‌ی مدیریت و روند نوسازی ارتباطی مشابه داشته و تغییرات ناشی از نوسازی و از جمله تغییرات پوشاک را راحت‌تر پذیرفتند.

با بالا گرفتن فعالیت‌های مربوط به زنان و تبلیغات گسترده در روزنامه‌ها و معرفی زن اروپایی به‌عنوان الگو، تشبه جستن به زن اروپایی برای دستیابی به موقعیت اجتماعی، مورد توجه قرار گرفت<sup>۱۰</sup> و بعضی از زنان شاغل در مراکز دولتی برای دستیابی به این موقعیت‌ها از تازه‌ترین مد لباس‌های اروپایی استفاده

اصلی نهضت مشروطه به‌شمار می‌آمدند و اغلب افکار آزادی‌خواهانه داشته و مخالف حکومت استبدادی قاجار بودند در این دوران لباس‌های سنتی خود را کنار گذاشته و از لباس‌های اروپایی استفاده می‌کردند. در این دوره طبقات بالای اجتماعی روشنفکران و تحصیل‌کردگان لباس‌های غربی می‌پوشیدند. این در حالی بود که بسیاری از زنانی که با اروپاییان مراوده داشتند و یا به خارج از کشور سفر می‌کردند با البسه‌ی اروپایی آشنا شده و تغییراتی در لباس خود دادند.

هم‌چنین بعد از برقراری مشروطه بعضی از زنان روشنفکر اقدام به تأسیس مدارس دخترانه کردند. آنان حجاب را مانعی در برابر فعالیت زنان به‌شمار می‌آوردند و خود نیز از لباس‌های غربی استفاده می‌کردند. با افزایش تعداد مدارس دخترانه، بز تعداد زنان باسواد افزوده شد و دختران تحصیل‌کرده در این مدارس تمایل زیادی به استفاده از لباس‌های اروپایی از خود نشان می‌دادند.<sup>۷</sup> در این دوران لباس علاوه بر آن‌که طبقه‌ی افراد، موقعیت اجتماعی و سطح تحصیلات و موقعیت شغلی افراد را مشخص می‌کرد هنگامی که مورد استفاده‌ی زنان و مردان روشنفکر قرار می‌گرفت طرز تفکر و نگرش آنان را نیز نشان می‌داد و هنگامی که مورد استفاده مشروطه‌خواهان مخالف دولت قرار می‌گرفت به گونه‌ای مشی سیاسی و ضد استبدادی آن‌ها را مشخص می‌ساخت. در دوران رضاشاه پوشاک مردم دچار تغییرات اساسی شد. اولین اقدام در ۱۳۰۷ صورت گرفت و کلیه‌ی مردان شاغل در مشاغل دولتی مکلف به استفاده از لباس متحدالشکل، یعنی کلاه پهلوی و نیم‌تنه شدند و تنها روحانیون از این قانون معاف بودند. هم‌چنین در ۱۳۰۸ اساس‌نامه‌ی لباس تمام رسمی مأموران کشوری به تمام وزارت‌خانه‌ها ابلاغ گردید که شامل ردنکوت یقه بسته و شلوار بود و براساس مراتب، موقعیت و مقام هرکس تزیینات روی آن کم یا زیاد می‌شد. در مواقع رسمی نیز از لباس‌های رسمی استفاده می‌شد.



مبارزه برخاست.

در این دوران، گروه‌های مخالف رژیم که طیف بسیار ناهمگونی را تشکیل می‌دادند، با الگوها و سمبل‌های مختلف، علیه تمامی نمادهای حاکمیت به معارضة برخاسته بودند. به همین جهت، الگوی پوششی آن‌ها نشان دهنده روحیه مبارزه‌جویی آن‌ها بوده و مبین نگرش و ایدئولوژی آن‌ها بود. لباس‌های گروه‌های چریکی نیز با نوع مبارزه‌ی آن‌ها ارتباط نزدیکی داشت. بر این اساس، پوشاک علاوه بر کارکردهای قبلی خود، مشی سیاسی افراد و وابستگی آن‌ها به نحله‌های مختلف را نشان می‌داد.

از اوایل دهه‌ی ۴۰ کشور با توسعه و نوسازی ساختار اجتماعی - اقتصادی گسترده‌ای روبه‌رو بود که عمدتاً در نتیجه‌ی درآمد فزاینده‌ی نفت امکان‌پذیر گردید. توسعه‌ی اجتماعی سبب گسترش شهرنشینی گردید و چهار طبقه‌ی عمده را به وجود آورد. این چهار طبقه عبارت بودند از: طبقه‌ی اعیان، طبقه‌ی متوسط متمول، طبقه‌ی متوسط حقوق‌بگیر و طبقه‌ی کارگر؛ که هر کدام بر اساس درآمد و سطح تحصیلات دارای موقعیت اجتماعی مشخصی بودند. در این دوران، بیش از نصف مردم تهران که شامل کارمندان دولت، محصلان، بازرگان، ثروتمندان، مستکنان و طبقات تحصیل کرده از قبیل پزشک، مهندس و حقوق‌دان و استاد بودند از انواع لباس‌های اروپایی استفاده می‌کردند. این گروه‌ها که وابستگی چندانی به سنت نداشتند؛ در پی به دست آوردن مشروعیت به جهان خارج از کشور توجه داشتند؛ بنابراین، لباس‌های شان نیز از الگوهای جهان خارج از ایران تبعیت می‌کرد.<sup>۱۲</sup>

در این دوران، الگوهای جهانی پوشاک، مورد استفاده‌ی افرادی قرار می‌گرفت که در پی به دست آوردن موقعیت‌های فردی و اجتماعی مطلوب‌تری بودند. جاذبه‌ی جامعه‌ی مصرفی سبب شد که طبقات مرفه در امر مصرف و استفاده از کالاهای غربی از جمله پوشاک زیاده‌روی کنند و دنباله‌روی الگوهای غربی باشند. از سوی دیگر، طبقات دیگر نیز که درآمد محدودتری داشتند، برای به دست آوردن موقعیت آن‌ها به مصرف این نوع کالاها روی آورده از پوشاکی مانند پوشاک این طبقات استفاده می‌کردند.

در جریان انقلاب روسی و چادر، که زمانی مورد استفاده‌ی گروه‌های سنتی و مذهبی جامعه قرار می‌گرفت، به عنوان وسیله‌ای برای مخالفت با رژیم، مورد استفاده‌ی زنان قرار گرفت و کارکردی سیاسی یافت. در این دوران، لباس‌های ساده موارد استفاده‌ی بیش‌تری یافت و به دلیل ماهیت انقلابی و غرب‌ستیزی انقلاب، مورد توجه مخالفان رژیم سلطنتی قرار گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب، به دلیل اوضاع سیاسی خاص، برای پوشاک هیچ الگوی مشخصی وجود نداشت و هر کس بر اساس سلیقه و تمایل خود از لباس‌های مختلف استفاده می‌کرد. در این زمان با سیاست‌های جدید حکومت نوپای اسلامی، استفاده از چادر و روسری رایج گردید.

از سوی دیگر، مردانی که تمایل داشتند روحیه‌ی ضد سلطنتی و مبارزاتی و مذهبی خود را نشان دهند از لباس‌های ساده استفاده می‌کردند. این نوع پوشش خاص یک گروه نبود و همه‌ی نیروها را در بر می‌گرفت. با این حال و علی‌رغم همانندی‌های بسیار، هرکدام از طیف‌های جامعه، ویژگی‌های خاصی را در پوشش‌شان رعایت می‌کردند. به عنوان مثال، پیراهن‌های روی شلوار افتاده با یقه‌ی عربی از ویژگی‌های پوششی نیروهای مذهبی به شمار می‌آمد. زنان کارمند، معلم‌ها و زنان شاغل در مراکز دولتی موظف به استفاده از پوشش اسلامی (مانتو و روسری) شدند و برای از دست ندادن موقعیت شغلی ملزم به رعایت آن گردیدند و دانش‌آموزان نیز از اونیفورم‌های متناسب با فضای اسلامی موجود استفاده کردند.<sup>۱۳</sup> به طور کلی می‌توان گفت: ملاحظات سیاسی و مذهبی کارکرد پوشاک را تحت تأثیر قرار داده و آنرا مشخص کردند.<sup>۱۴</sup>

در این دوران، می‌توان به تحول پوشش دولت‌مردان توجه نشان داد. مردانی که در دوران جنگ یا لباس‌های ساده و پیراهن‌های روی شلوار نشان می‌شدند، در دوران پس از پایان جنگ و به خصوص در دوران موسوم به «سازندگی» تغییر لباس دادند و در پوشیدن کت و شلوارهای خوش‌دوخت با یقه‌های عربی از هم سبقت گرفتند، گویی این بار میدان مسابقه عوض شده است. (به نظر می‌رسید خصلت «غربی» بودن کت و شلوارها در این دوره چندان مهم نمی‌نمود و البته عضل برخی از پوشش‌های «غربی» هم چنان لاینحل باقی مانده است).

بنابراین، در این دوران کارکردهای سیاسی پوشاک بیش از دیگر کارکردها مورد توجه قرار گرفت. در این زمان، علاوه بر آن‌که پوشاک معزف شغل افراد بود، (کارمندان و آموزگاران)، نقش‌ها را مشخص می‌کرد (دانش‌آموزان)، نگرش افراد را نشان می‌داد (طرفداران حکومت اسلامی)، موقعیت اجتماعی و فردی اشخاص را معرفی می‌نمود (رهبران حکومت)، بر اساس ملاحظات سیاسی شکل می‌گرفت و این ملاحظات کارکردهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد.

### نتیجه

از برآیند مطالب گفته شده می‌توان چنین استنباط کرد که کارکرد پوشاک در هر دوره تحت

### کارکرد پوشاک

در ایران بیش از آن‌که نیاز جامعه آن کارکردها را مشخص کند، اوضاع و شرایط سیاسی و سیاست‌های دولت مشخص‌کننده‌ی کارکرد پوشاک این دوره است.

تأثیر تحولات سیاسی آن دوره قرار دارد. به بیان دیگر، آن‌چه کارکرد پوشاک را مشخص می‌کند و یا کارکردهای جدید آن را ایجاد می‌کند تحولات و شرایط سیاسی هر دوره می‌باشد و نه نیاز جامعه. چرا که حتی در شرایطی که لباس برای فراهم کردن موقعیت اجتماعی و یا نشان دادن طرز تفکر، طبقه، نقش‌ها و موقعیت شغلی مورد استفاده افراد قرار می‌گیرد، خود این موقعیت‌ها زاینده و تحت تأثیر شرایط سیاسی هر دوره می‌باشند. تجدیدگرایی دوره‌ی مشروطه که سبب ورود آداب و رسوم غربی بود، جنبه‌ی استبدادستیزی داشت. سیاست‌های آمرانه‌ی دولت رضاشاه در جهت تجدیدطلبی و یا اصلاحات اقتصادی محمدرضا شاه که به افزایش کارکرد پوشاک منجر شد، همه در جهت سیاست‌های دولت وقت بود. کارکرد پوشاک در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نیز چنین ماهیتی داشت و بیش از آن‌که نیاز جامعه آن کارکردها را مشخص کند، اوضاع و شرایط سیاسی و سیاست‌های دولت مشخص‌کننده‌ی کارکرد پوشاک این دوره است.

بنابر این، کارکرد پوشاک در ایران مشخص می‌کند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر شرایط سیاسی هر دوره قرار دارد.

### فهرست منابع

۱. آنتونی گیدنز، ما و مدرنیت، ۱۳۷۷.
۲. الیوت ارونسون، روانشناسی اجتماعی و اتوکالین بری، روان‌شناسی اجتماعی.
۳. ر.ک: سیدحسام‌الدین شریعت پناهی، اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، ۱۳۷۲.
۴. اعظم قاندری شرفی، بازتاب تحولات فرهنگی در تنوع و کارکرد پوشاک، ۱۳۷۸.
۵. حسام‌الدین شریعت پناهی، اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، ۱۳۷۲.
۶. همان جا.
۷. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج سوم، ۱۳۶۱.
۸. اسناد منتشر نشده‌ی کشف حجاب، ۱۳۷۳.
۹. ویدا همراز، نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه، فصلنامه‌ی تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.
۱۰. روزنامه‌ی اطلاعات، دی ۱۳۱۴.
۱۱. پیتراوری، تاریخ معاصر ایران، ج دوم، ۱۳۷۷ و پرواند ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۷.
۱۲. کیهان سالانه، ۱۳۴۳.
۱۳. روزنامه اطلاعات، تیر ۱۳۵۹.
۱۴. اطلاعات بانوان، مرداد - مهر - دی، ۱۳۵۹.

اندیشه‌ی جامعه ۱۳